

مهربانی



محمد تقی صرفی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا مهربان ترین مهربان

یکی از صفات جمال خدا که از همه صفاتش معروف تر و مشهور تر هست مهربانی خداوند است.

در 113 سوره قرآن کریم، سوره ها با بنام خداوند بخشنده مهربان شروع شده است و در سوره نمل هم دوبار بنام خداوند بخشنده مهربان آمده است و این نشان از سبقت رحمت خدا بر غضب خدا است و نشان از مهربانی گسترده الهی است. بطوری که بر خودش مهربانی را واجب و لازم فرموده است.

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (الأنعام، 12)

ترجمه: بگو: آنچه در آسمان و زمین است از آن کیست؟ بگو: از آن خداست که رحمت را بر خود واجب کرده است. البته روز قیامت [که] در آن شک نیست شما را گرد آورد. کسانی که ایمان نمی آورند بر خویشتن زیان می زنند

با اینکه معمولاً هر صاحب قدرتی و هر پادشاهی و سلطانی، اهل ظلم و ستم و خشونت با زیر دستانش هست اما خداوند با اینهمه قدرتی که دارد از همه مهربان تر هست و هیچ مخلوقی مهربانیش به خدا نمی رسد.

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا (الكهف، 58)

ترجمه: پروردگارت آمرزگار رحیم است، اگر آنان را به اعمالی که کرده‌اند مؤاخذه می‌کرد، در عذابشان تعجیل می‌کرد (چنین نیست) بلکه موعدی دارند که هرگز در قبال آن گریزگاهی نیابند مهربانی خدا خیلی عظیم هست. و اندازه انقدر زیاده که انسان نمی‌تواند آن را تصور کند.

درباره مهربانی خداوند:

با اینکه معمولاً هر صاحب قدرتی و هر پادشاهی و سلطانی، اهل ظلم و ستم و خشونت با زیر دستانش هست اما خداوند با اینهمه قدرتی که دارد از همه مهربان‌تر هست و هیچ مخلوقی به اندازه خدا، مهربان نمی‌باشد.

2- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه‌های مهربانی خداوند این است که خدای مهربان به هیچ کس ظلم نمی‌کند. خدای مهربان عذر هر کسی که گناه کند می‌پذیرد

یکی از نشانه‌های مهربانی خداوند این است که توبه پذیراست. حتی اگر انسان تا آخر عمرش گناه کند ولی یکساعت قبل از مردن، توبه کند خدا توبه اش را قبول می‌کند. و اگر هزار بار توبه اش را شکست و دوباره توبه کرد، خدا توبه اش را قبول می‌نماید.

3- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه‌های مهربانی خداوند این است که به ما اجازه داده هر وقت دوست داشتیم با او حرف بزنیم و او بسیار شنوا هست. چه شب. چه روز. چه در معبد و مسجد. چه در خانه و کاشانه خود. چه

4- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه های مهربانی خداوند این است که وقتی همه انسان را رها می کنند و انسان تنها می شود و همه فامیل و دوستان و خانواده حتی همسر و فرزندان، انسان را رها می نمایند، این خداوند مهربان است که حامی انسان و رفیق آدمی و کمک کننده به انسان است.

5- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه های مهربانی خدا، این است که با اینکه عده ای از مردم دنیا، خدا را قبول ندارند ولی خدا به آنها رزق و روزی می دهد. و آنها را گرسنه نمی گذارد.

6- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه های مهربانی خدا آنست که خدا هر انسان مهربانی را دوست دارد و خدا با هر انسان ظالمی دشمن است. لذا خدا یاور مظلومان است.

7- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه های مهربانی خدا آنست که باران را برای ما می فرستد تا از باران، همه انسان ها و حیوانات استفاده نمایند.

8- درباره مهربانی خداوند:

یکی از نشانه های مهربانی خدا انست که اگر انسان نسبت به دیگران حتی نسبت به یک حیوان مثلاً نسبت به یک گربه یا یک سگ مهربان باشد خداوند خوشحال می شود.

انسانی که نسبت به حیوانی مهربانی کرده، خدا او را بهشت می برد و گاهی خداوند یک انسان را به خاطر اینکه حیوانی را اذیت کرده است او را به جهنم می برد

9- درباره مهربانی خدا:

یکی از نشانه های مهربانی خداوند این است که پیامبران را برای هدایت انسان فرستاده است. اولین آنها حضرت ادم و آخرین پیامبر، حضرت محمد است. پیامبران خود را برای هدایت انسان ها، فدا کردند. به جای اینکه دنبال زندگی آرام برای خود باشند، برای هدایت مردم همه چیز خود را فدا کردند.

10- درباره مهربانی خدا:

باز از نشانه مهربانی خدا ان است که وقتی آخرین پیامبر از دنیا رفت. خداوند بشریت را بدون راهنما رها نکرد. و دوازده راهنما فرستاد. وقتی یازدهمین راهنما بنام عسکری شهید شد، خداوند حضرت مهدی را به عنوان راهنما فرستاد. 11- حضرت مهدی با معجزه الهی بیش از 1180 سال است که زنده است و زندگی می کند. اگر چه مردم او را نمی بینند ولی در طول این مدت، دهها نفر از افراد خیلی مومن، او را دیده اند و با او حرف زده اند.

12- حضرت مهدی که غایب است چه کار می کند؟

خود حضرت مهدی گفته است:

"اما چگونگی استفاده مردم از من همچون استفاده آنهاست از خورشید، هنگامی که در پشت ابرها پنهان می شود."

یعنی اگرچه خورشید گاهی پشت ابر پنهان می شود ولی باز برای بشریت انرژی و گرما بخش و روشنی بخش است.

13- حضرت مهدی که غایب است چه کار می کند؟

خداوند وجود حضرت مهدی را عامل نزول باران و عامل نزول برکات برای انسان ها و عامل حفظ کره زمین از اینکه متلاشی بشود قرار داده است.

اگر حضرت مهدی نباشد هیچ انسان دیگری هم نخواهد بود. پس وجود ما وابسته به وجود حضرت مهدی است.

14- وقتی انسان دچار گرفتاری می شود توصیه میشود حضرت مهدی را صدا بزند و از حضرت مهدی به عنوان نماینده خدا در کره زمین، کمک بخواهد.

افراد گرفتاری بوده اند که حضرت مهدی را صدا زده اند و حضرت مهدی به آنها جواب داده و مشکل آنها را مانند بیماری یا بی پولی یا نداشتن فرزند یا نداشتن همسر یا اختلاف خانوادگی و غیره را حل نموده است.

نکته مهم: خداوند گفته اعمال انسان ها مانند نماز و روزه و صدقه اگر حضرت مهدی امضاء کند قبول میشود و اگر حضرت مهدی عمل انسانی را تایید نکرد خداوند آن عمل را قبول نمی نماید.

اگر خدا مهربان ترین است پس چرا جهنم را خلق کرده است؟

جواب: طبق آیات و روایات، هر نوع عذابی که در جهنم است چهره باطنی گناهی است که آدمی مرتکب شده است. و خدا عذابی جداای از عکس العمل اعمال ما ندارد.

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ ۖ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ (سجده)

پس [به آنان می‌گوییم:] در برابر این که لقای امروزتان را [که روز قیامت است با بی‌اعتنایی] وا گذاشتید، [عذاب دردآوری را] بپوشید که ما هم شما را [محروم از رحمت خود] وامی‌گذاریم، **14!** و به کیفر اعمالی که همواره انجام می‌دادید عذاب جاودانه را بپوشید.

در این ایه شریفه می‌خواهد اعلام کند که ای انسان!

عمل‌ها و موضع‌گیری‌ها هر کدام، متناسب با خود، عذاب و کیفر دارند. (فذوقوا بما نسیتم ... ذوقوا ... بما كنتم تعملون) تکرار «ذوقوا» با ذکر سبب هر کدام از آنها، می‌تواند بیان‌کننده این نکته باشد که هر کدام از عمل‌ها و نیز برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را دارد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ¹

پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند

و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند

که در این آیات به صراحت آمده است که اعمال برای انسان مجسم می‌شود چه کارهای خیر حتی کوچکترین کار و چه کارهای بد و ناپسندش.

بنابراین اگر شخصی را جهنم ببرند و عذاب کنند این عذاب همان باطن اعمال بد اوست اگرچه اگر قبل از مردن توبه می‌کرد اعمال بدش پاک می‌شد.

آری خداوند مهربان‌ترین مهربانان است پس بیاییم ما هم رنگ خدا بخود بگیریم و باهم مهربان باشیم.

سعدی از حدیث امام ششم که می‌فرماید: {مؤمن برادر مؤمن است مثل روحهایی در یک جسم اگر چیزی از این جسم ناراحت باشد این درد به همه اعضا می‌رسد و ارواح مؤمنین از یک روح است و بدرستی که ارواح مؤمنین از نظر اتصال به هم سخت‌تر است از اتصال شعاع خورشید به

¹زلزال 8-7

خورشید { استفاده کرده و شعر { بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند } را سروده است

یکی از آثار مخرب تمدن غرب این است که مهربانی از میان مردم رخت بسته است و کمتر پیش می آید که مردم باهم مهربان باشند. بهم کمک کنند. و همدل باشند.

در حالی که مردم ایران مهربانند و اسلام هم دین مهربانی است و برای کسانی که با مردم مهربانند مخصوصا با والدین. با فرزندان. با سالخوردهگان با بیماران. با مستمندان و... ارزش قائل است و وعده پاداش های فراوان به این افراد داده است.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ²
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطف توصیه می کنند. اینان اصحاب یمین هستند

رسول گرامی اسلام (ص) نیز استحکام پیوند مودت و مهربانی مؤ منان با یکدیگر را چنین توصیف می کند

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ مِنْهُ³
(تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَ السَّهَرِ

مؤ منان، در مقام مهربانی و عطف نسبت به یکدیگر همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، سایر اعضا در تبادری و شب بیداری با او همراهی می کنند

حضرت علی علیه السلام، در هنگام انتصاب مالک اشتر به عنوان والی مصر، در بخشی از عهدنامه مفصل و آموزنده خود، خطاب به وی چنین می فرماید

² بلد (90)، آیات 17 - 18.

³ سفينة البحار، ج 1، ص 13.

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ ...
سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ
(.. لَكَ فِي الْخَلْقِ⁴)

دلت را برای مردم کانون مهر و محبت ساز و آنان را دوست بدار و مبادا بر آنان درنده
خوی شوی و خوردن آنان را بر خود غنیمت شمری، چرا که آنان دو دسته اند یا برادر دینی تواند
و یا نظیر تو در آفرینشند.

خداوند مهربانی را دوست دارد حتی مهربانی نسبت به حیوانات را دوست دارد
لذا بارها پیش آمده که یک نفر از بندگان خدا به حیوانی محبت کرده است
خداوند در همین دنیا به او پاداش داده است.

در حالات حضرت آیت الله آقای سید محمد باقر شفتی ذکر شده که آن مرحوم اوایل تحصیلات
خود در نجف اشرف از حیث فقر بر او بسیار بد می گذشت و غالباً ایشان از برای قوت لا یموت
خود معطل بودند.

آخر الامر نجف را ترک کرد و به حوزه علمیه اصفهان آمد در آنجا هم به او سخت می گذشت
فرموده بود: مدتی بر من گذشت نداشتم تا اینکه بسیار ضعیف شدم روزی در مدرسه نماز وحشتی
آوردند تقسیم کردند به مقدار یک نماز هم به من دادند پیش خود گفتم مدتی است گوشت
نخورده ام بهتر است قدری گوشت بخرم رفتم بازار یک دانه جگر گوسفندی خریدم

در مراجعت بر خوردم بخوابه ای دیدم سگی در کنار خرابه از گرسنگی حال حرکت ندارد و شیر
در پستان او خشکیده است می گوید: دلم بحال سگ سوخت چون دیدم بچه های او به زیر سینه
او چسبیده اند من آن جگر را قطعه قطعه نمودم و به سوی او افکندم تا تمام شد آن سگ سر خود
را بطرف آسمان بلند کرد و چند مرتبه صدا زد یقین کردم در حق من دعا کرد

طولی نکشید که از شفت که محل اصلی من است یکی از ثروتمندان آنجا وجه زیادی برای من
فرستاد و لکن در نامه قید کرده بود که راضی نیستم یک درهم آن را صرف کنی بلکه باید آن را
در نظر شخصی امینی بگذاری تا اینکه سرمایه کسب خود قرار دهد و از منافع آن استفاده کنی

⁴ نهج البلاغه ، نامه 53، ص 993.

چون به دستور او عمل نمودم خداوند به من ثروت فوق العاده عنایت کرد که چهار صد کاروانسرا و دو هزار دکان خریدم و یک دهی خریداری نمودم که مال التجاره او در هر سالی نهصد خروار برنج می شد

و در هر سال مالیات مستغلات من به هفده هزار تومان می رسید (البته پول آنزمان) و عائله من حدود سیصد نفرند!^۵

بردر ب دوم بهشت نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله. ان لكل شیء حيلة وحيلة السرور يوم القيامة اربع خصال . مسح رؤوس الیتامی والتعطف علی الارملة والسعی فی حوائج المؤمنین والنفقة للفقراء والمساکین. برای هر کاری چاره ای است و چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. چهارم صدقه به فقرا و بیچارگان.^۶

دوبار مهربانی در عالم برزخ برای علامه مجلسی فایده داشت

علامه مجلسی «ره» با آن مقامات بلند علمی و معنوی و خدمات فراوانی که به اسلام و مسلمانان کرده است و اکنون در محضر رسول الله «صلی الله علیه و آله وسلم» است، وقتی به خواب مرحوم جزائری آمد، فرمود: دو چیز خیلی برای من نفع داشت. یکی اینکه روزی از کوچه های یهودی نشین اصفهان رد می شدم و سیبی در دست داشتم. دیدم یک کودک در آغوش مادرش، آن سیب را دیده و برای آن ذوق کرد. من نیز آن سیب را به او دادم. این عمل، یعنی خوشحال کردن آن کودک که ظاهراً یهودی هم بوده است، برای علامه مجلسی بسیار مفید واقع شده است. یعنی آن عمل به ظاهر کوچک و ناچیز، ارزش و فایده فوق العاده ای نزد اهل ملکوت و در برزخ داشته است.

علامه مجلسی در خصوص دوّمین عملی که در راحتی برزخ او تأثیر داشته، می فرماید: روزی به مسجد می آمدم و تگرگ تندی گرفت. دیدم یک بچه گربه زیر تگرگ است و راه نجاتی ندارد،

^۵ اسرار معراج ص ۸۵ .

^۶ کشف الغمه، علامه اربلی «ره»

دلم برای او سوخت و بچه گربه را زیر عباى خود گرفتم تا تگرگ تمام شد و سپس او را رها کردم. کمک به این بچه گربه نیز برای من بسیار سودمند بود.^۷

در سحر همان شب، خداوند متعال به آن شخص عنایتی کرد که گفتنی نیست

وقتی یک راننده تاکسى برای خدا به یک زن در رسیدن به مقصدش کمک کرد، آن راننده این توفیق را پیدا کرد که خدمت جناب شیخ رجبعلى خیاط برسد. راننده مزبور در شرح این ملاقات می گوید: پس از سلام و احوال پرسى، شیخ نگاهی به من کرد و از برخی از ویژگیهای من خبر داده، گفتند: «تو شبهای جمعه منتظر هستی. تو هستی.» من در رابطه با ولی عصر علیه السلام برنامه ای داشتم. منظور ایشان از جمله «تو هستی» این بود که در فرج قائم آل محمد علیه السلام تو هم هستی. با توجه به سوابقی که خداوند به من مرحمت فرموده بود، با آن سخن شیخ، آن شب محشری به پا شد. ما گریه کردیم، شیخ هم گریه کرد. اطرافیان هم گریستند؛ خیلی زیاد. سپس جناب شیخ فرمود:

می دانی چه شد تو آمدی پیش من؟ آن زنِ قد کوتاه را که سوار کردی و از او پول نگرفتی، او «دعا کرد در حق تو، و پروردگار عالم دعای او را در حق تو مستجاب کرد و تو را فرستاد پیش من.»

دکتر فرزام می گوید: نصیحت جناب شیخ به بنده هنگام خداحافظی، وقتی می گفتم: جناب شیخ، امری ندارید؟ توصیه ای ندارید؟ - این جمله بود

«احسان به خلق، حتی [احسان] به حیوانات را فراموش نکن»

یکی از دوستان شیخ می گوید، روزی شیخ به این جانب فرمود

شخصی از یکی از کوچه های قدیمی تهران عبور می کرد. ناگاه چشمش در داخل جوی به «سگی افتاد که چند بچه داشت. بچه ها به پستان مادر حمله می بردند ولی مادر از فرط گرسنگی قادر به شیردادن نبود و از این وضع رنج می برد. او بلافاصله به دکان کبابی در همان کوچه رفت و

⁷ <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?ID=422&TabID=0003>

لذا عصای خود را بلند کردم و مار را فراری دادم و بچه گنجشک را نجات داده، پس از نوازش، در آشیانه‌اش گذاشتم. همان شب وقتی سحرگاه برای نماز شب بیدار شدم، در عالم کشف به من گفتند: «شکرت عنک عصفوره عند الحضرة». فهمیدم آن گنجشک نزد خداوند از من تشکر کرده است. پس از آن، مجدداً حال عبادت برای من پدیدار شد، از ناراحتی بیرون آمدم و حالت قبض من مبدل به حالت بسط گردید.¹⁰

بخاطر یک گربه عذاب می شد!

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی، حبس حیوان را باعث عذاب شدید آخرت بیان کرده اند. ایشان در جریان سفر معراج فرمودند: «زنی - که صاحب گربه ای بود - را در میان آتش دیدم که گربه اش نیز از هر طرف او را گاز می گیرد و می درد؛ علتش این بود که آن زن - در دنیا - این حیوان را بسته بود؛ بدون آنکه غذایی به او بدهد یا آزادش نماید تا خودش حیوانی را شکار کند؛ یعنی حبس، بدون غذا و آزادی¹¹!»

خداوند مهربان هیچ گونه اذیت و ازار نسبت به انسان ها و حیوانات را نمی پذیرد و به افراد مهربان پاداش می دهد و افراد ظالم و اذیت کننده را مجازات می نماید. پس همه ما با یکدیگر مهربان باشیم مخصوصاً با پدر و مادر. باهمسر و فرزندان. با برادر و خواهر. با معلم و استاد. با همسایه و دوستان تا نسبت به حیوانات .

پیامبر گرامی (ص) می فرماید: هر که مومنی را غمگین کند، آن گاه دنیا را به او بدهد، این بخشش . کفاه عمل او نخواهد بود و برای او پاداشی به دنبال نخواهد داشت.

امام صادق (ع) می فرماید: اگر شما دلی را شکستید نمی توانید جبران آن دل شکستگی را بکنید . اگر همه ی دنیا را به او بدهید.

¹⁰ <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?ID=422&TabID=0003>

¹¹ مجلسی، 1403ق، ج 64، ص 268؛ دمیری، بی تا، ج 2، ص 251

امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل می کنند: آن گاه که بدون حق مومنی را برنجاند ، مانند این است که خانه کعبه و بیت المعمور را ده بار ویران کرده باشد و مثل این است که هزار ملک از ملائکه مقرب الهی را به قتل رسانده باشد.

امام علی علیه السلام می فرمایند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با همه چیزهای که در آن هست به من بدهند تا پوست جوی را به ناحق از دهان مورچه ای بگیرم این کار را نخواهم کرد

نتیجه خوشحال کردن سگ

روزی امام حسن مجتبی علیه السلام در یکی از باغستان های شهر مدینه قدم می زد، که ناگاه چشمش به یک غلام سیاه چهره افتاد که نانی در دست دارد و یک لقمه خودش می خورد و یک لقمه هم به سگی که کنارش بود می داد تا آن که نان تمام شد

حضرت با دیدن چنین صحنه ای ، به غلام خطاب کرد و فرمود: چرا نان را به سگ دادی و مقداری از آن را برای خود ذخیره نکردی ؟

غلام به حضرت پاسخ داد: زیرا چشم های من از چشم های ملتمسانه سگ خجالت کشید و من حیا کردم او این که من نان بخورم و آن سگ گرسنه بماند

امام حسن علیه السلام فرمود: ارباب تو کیست ؟

. پاسخ گفت : مولای من ابان بن عثمان است

حضرت فرمود: این باغ مال چه کسی است ؟

. غلام جواب داد: این باغ مال ارباب و مولایم می باشد

پس از آن حضرت اظهار داشت : تو را به خدا سوگند می دهم که از جایت برنخیزی تا من باز . گردم

سپس حضرت حرکت نمود و به سمت ارباب غلام رفت ؛ و ضمن گفتگوهایی با ابان بن عثمان، غلام و همچنین باغ را از او خریداری نمود؛ و سپس به جانب غلام بازگشت و به او فرمود: ای غلام ! من تو را از مولایت خریدم

. پس ناگاه غلام از جای خود برخاست و محترمانه ایستاد

سپس حضرت در ادامه سخنان خود اظهار نمود: این باغ را هم خریداری کردم ؛ و هم اکنون تو را . در راه خداوند متعال آزاد نموده ؛ و این باغ را نیز به تو بخشیدم^{۱۲}

چرا علامه ناراحت بود؟

دختر علامه طباطبایی می گفت: «یک روز به دیدنشان رفتم. دیدم خیلی ناراحت اند. علت را پرسیدم. خانمشان گفتند بچه گربه ای افتاده توی چاهک حیاط خلوت. ایشان از دیروز تا حالا پریشان اند و همین طور راه می روند. نه غذا می خورند و نه استراحت می کنند. من خندیدم و گفتم برای بچه گربه ناراحتید؟ ایشان به من گفتند : بشر باید عاطفه داشته باشد. آدم بی عاطفه یعنی با «قرآن دوست نیست. بالاخره کلی خرج کردند و چاهک را شکافتند تا بچه گربه را درآوردند

امام کاظم علیه السلام از اینکه علی بن یقطین باعث ناراحتی ابراهیم ساربان شد ناراحت شدند

ابراهیم ساربان شتر، که یکی از شیعیان موسی بن جعفر علیه السلام بود، روزی خواست خدمت علی بن یقطین برسد

چون ابراهیم، ساربان بود و علی بن یقطین وزیر، به حسب ظاهر، شان ابراهیم نبود که پیش وزیر!1 برود! لذا علی بن یقطین او را راه نداد

¹² تاریخ ابن عساکر ترجمة الامام الحسن عليه السلام : ص 148، ح 249، احقاق الحق: ج 11

اتفاقا در همان سال علی بن یقظین به حج مشرف شد. در مدینه خواست خدمت امام کاظم علیه السلام شرفیاب شود، حضرت او را راه نداد. روز دوم، در بیرون خانه، حضرت را ملاقات نمود. و عرضه داشت؛ که ای سید من، تقصیر من چه بود که مرا راه ندادید؟

امام - علیه السلام فرمود: به این دلیل که برادرت ابراهیم جمال را به حضور نپذیرفتی، من نیز از ورود تو مانع شدم؛ و خداوند عمل تو را قبول نخواهد کرد و فرمود مگر آن که ابراهیم جمال تو را ببخشد.

سرانجام به دستور امام علیه السلام علی بن یقظین، خود را به درب خانه ابراهیم رسانید و گفت: اگر تو مرا عفو نکنی، و مرا نبخشی، سرورم موسی بن جعفر علیه السلام مرا قبول نکرده و به حضور :نخواهد پذیرفت. ابراهیم گفت

.خدا تو را ببخشد و بیامرزد

سپس علی بن یقظین صورت خود را روی زمین گذاشت و با اصرار زیادی خواست که ابراهیم .» پای خود را روی صورت او بگذارد! در این هنگام پیوسته می گفت: «خدایا شاهد باش وی همان شب، خود را به درب خانه امام علیه السلام رسانید، آن حضرت به او اجازه ورود داده و !او را به حضور پذیرفت

مهربانی و اخلاق نیکوی پیامبر (ص) در حدی بود که امام صادق (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) نماز ظهر را با جماعت خواند، مردم بسیاری به او اقتدا کردند، ولی آن ها ناگاه دیدند آن حضرت بر خلاف معمول دو رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد (مردم از خود می پرسیدند، به راستی چه حادثه مهمی رخ داده که پیامبر (ص) نمازش را با شتاب تمام کرد؟! پس از نماز از پیامبر (ص) پرسیدند: «مگر چه شده؟ که شما این گونه نماز را (با حذف مستحبات) به پایان بردی؟» پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «اما سمعتم صراخ الصبی؛ آیا شما صدای گریه کودک رانشنیدید؟» معلوم شد که کودکی در چند قدمی محل نماز گزاران گریه می کرده، و کسی نبود که او را آرام کند، صدای گریه او دل مهربان پیامبر (ص) را به درد آورد، از این رو نماز را با شتاب تمام کرد، تا کودک را از آن وضع بیرون آورده، و نوازش نماید.

شتر ما باش!

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای نماز به مسجد می رفت. در راه، گروهی از کودکان انصار بازی می کردند که تا آن حضرت را دیدند، دور او جمع شدند و به دامن او آویختند به گمان اینکه چون آن حضرت همواره حسن و حسین علیهما السلام را بر دوش خود می گرفت، این بار آنها را نیز به دوش بگیرد. پیامبر از یک سو نمی خواست آنها را برنجانند و از سویی دیگر مردم در مسجد منتظرش بودند و می خواست خود را به مسجد برساند. در این حال، بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جست و جوی پیامبر پرداخت. پس از مدتی، آن حضرت را کنار گروهی از کودکان یافت و جریان را فهمید. خواست کودکان را تنبیه کند، ولی پیامبر او را از این کار نهی کرد و فرمود: «تنگ شدن وقت نماز، برای من بهتر از رنجاندن کودکان است.» آن گاه به بلال فرمود: «به خانه برو و آنچه از گردو یا خرما یافتی، بیاور تا خود را از این کودکان بازخرید کنم.» بلال رفت و پس از جست و جو، هشت دانه گردو یافت و آن را به حضور پیامبر آورد. پیامبر آنها را میان کودکان تقسیم کرد و بدین گونه کودکان راضی شدند آن حضرت را آزاد کنند.

اليوم يوم المرحمه

مهمترین رفتار مهرورزانه و انعطاف پذیری پیامبر(ص) با مردم در هنگام اقتدار سیاسی است که نمونه ای از آن در روز فتح مکه متجلی گشت؛ در آن روز سرنوشت ساز که پس از سالیانی جهاد و مشقت، مکه را فتح کرد و دشمنان اسلام را به زانو درآورد، می توانست انتقام آزارها و اهانت ها و قتل و غارت ها را بگیرد اما پیامبر(ص) فرمان عفو عمومی صادر کرد و از تقصیرهای وحشتناک آنها رحیمانه گذشت؛ در روز فتح مکه، هنگام ورود سپاه اسلام با تجهیزات کامل و آرایش خاص به شهر مکه، سعد بن معاذ از بزرگان صحابه و افسران سپاه پیامبر اسلام، رجزهایی با این مضمون خواند که: امروز روز نبرد است امروز جان و مال شما حلال شمرده می شود قلب عطوف و مهربان پیامبر(ص) از شنیدن این اشعار، سخت غمگین شد و جهت تنبیه آن افسر، او را از مقام فرماندهی عزل نمود و پرچم را به

پسروی، قلیل بن سعد سپرد و شعار را اصلاح کرد؛ فرمود: امروز روز رحمت، گذشت و مهرورزی است. (فروغ ابدیت، ۲ / ۳۳۷؛ سیره بن هشام، ۴ / 49)

این مهربانی برای مردم مکه، که سالها با آن حضرت خصومت ورزیده و جنگ های بسیاری را بر او و یارانش تحمیل کرده بودند، عجیب می نمود و نسیم ملایم رحمت، آنان را به عفو رهبر بزرگ، امیدوار کرده و دلها را به پذیرش اسلام، متمایل ساخت، مصادیق بسیاری از عفو کریمانه پیامبر اسلام را، تاریخ گواهی می دهد. (المغازی، 2 / 853؛ سیره ابن هشام، 4 / 60)

اخلاق محمدی باعث مسلمان شدن یهودی شد

پیامبر صلی الله علیه و آله همسایه ای یهودی داشت که وی را بسیار اذیت می -کرد، هر روز از پشت بام خاکستر همراه آتش بر روی سر آن حضرت می ریخت. این کار در ظاهر به عنوان ریختن زباله و خاکستر در کوچه، و در حقیقت به منظور ابراز خشم و کینه یهودی نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام می شد، و پیامبر کریمانه از کنار آن می گذشت. تا اینکه یک روز خبری از مرد یهودی نشد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از غیبت آن مرد سوال کرد. گفتند خوشبختانه بیمار گشته، و بر اثر بیماری مزاحمت -هایش قطع شده است. فرمود: باید به عیادتش برویم! به سمت خانه اش حرکت کرد. درب خانه یهودی را کوبید. همسرش به پشت در آمد و سوال کرد: کیست؟ حضرت فرمود: پیامبر مسلمانان به دیدار و عیادت همسایه بیمار خود آمده است! زن ماجرا را به شوهرش گفت. مرد یهودی که بسیار تعجب کرده بود، و در مقابل عملی غیر قابل پیش بینی قرار گرفته بود، گفت: در را باز کن تا داخل شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، و کنار بستر بیمار نشست. و از حال بیمار پرسید، و به گونه ای برخورد کرد که گویا هیچ اذیت و آزاری از این مرد یهودی به آن حضرت نرسیده است

مرد یهودی که از فرط خجالت صورت خویش را می پوشانید و در برخورد با این اخلاق کریمانه پیامبر اسلام مبهوت شده بود، از آن حضرت پرسید این نوع برخورد آیا اخلاق شخصی شماست، یا جزء دستورات دینی محسوب می شود؟ حضرت فرمود: جزء دستورات دینی است، و ما به همه

مسلمین سفارش می کنیم که چنین کنند. مرد یهودی با برخورد زیبا و پرجاذبه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسلمان شد (تفسیر نمونه: ج 24، ص 371).

زن سیاهپوستی در مدینه بود

پیامبر گرامی اسلام، حتی از ضعیف ترین آدم ها یاد می کرد: زن سیاهپوستی در مدینه بود که کارهای مسجد را انجام می داد. چند روزی خبری از او نشد. حضرت سراغ او را گرفت، گفتند: او مرده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: شما با ندادن این خبر، مرا آزردید. سپس فرمود: اکنون قبر او را به من نشان دهید. حضرت به کنار قبر آن زن رفت، بر او درود فرستاد و فرمود: این قبور گرفتار ظلمت هستند و با درود و صلوات ما بر آنها، نورانی می شوند.

عرب بی ادب!

انس بن مالک می گوید: با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از راهی می گذشتیم، درحالی که عبایی با حاشیه زبر و درشت بر دوش آن حضرت بود. در این میان، یک فرد عرب از راه رسید و عبای پیامبر را به شدت کشید، به گونه ای که حاشیه عبای روی گردن پیامبر اثر گذاشت. آن عرب با لحنی دور از ادب گفت: محمد، دستور بده از ثروتی که از جانب خدا در اختیار توست، به من بدهند. پیامبر رحمت، این رفتار بی ادبانه را نادیده گرفت، نگاهی سرشار از مهر و محبت به او افکند و فرمود: اکنون قصاصت بکنم؟ اعرابی گفت: نه. پیامبر فرمود: چرا؟! اعرابی گفت: چون تو بدی را با بدی جواب نمی دهی. پس پیامبر تبسمی کرد و فرمود: آنچه می خواهد، به وی بدهید.

نفهمیدم من خادم او بودم یا او خادم من

در مدینه هر کس برای پیامبر هدیه ای می آورد. مادر انس بن مالک آمد و گفت: من چیزی برای پیشکش ندارم اما فرزندی دارم که او را به عنوان خادم شما پیشکش می کنم. انس ده سال خادم پیامبر بود، بعد از رحلت رسول اکرم از انس سوال کردند پیامبر را چگونه یافتی؟ گفت مختصر بگویم یا مفصل؟ گفتند: مختصر. انس گفت: رفتار پیامبر در این ده سال چگونه ای بود که نفهمیدم !!! من خادم او بودم یا او خادم من

پل هفتم جهنم!!!

فاطمه (سلام الله علیها) هنگام رحلت رسول خدا از ایشان پرسید: در روز قیامت شما را کجا بیابم؟ فرمود: پل هفتم جهنم!!! (یعنی اگر بشود بدترین افراد را هم نجات خواهم داد) (کشف الغمه ج ۱/۴۷۹-بحار الانوار ۵۳۵/۲۲/ح ۳۷)

«جُودَكَ وَ كَرْمُكَ يَا مُحَمَّد

در یکی از جنگ ها در حالی که لشکر پیامبر مشغول استقرار خیمه ها و... بودند در اثر باران شدید بین پیامبر که مشغول استراحت در زیر درختی بودند و بین لشکر فاصله افتاد و یک نفر از لشکر دشمن که متوجه این موقعیت شده بود شمشیرش را برداشت و به طرف پیامبر آمد، شمشیر کشید و گفت: یا محمد! چه کسی تو را از دست من نجات می دهد؟ فرمود: خدا. هنگامی که پایش لغزید و با شمشیر به زمین افتاد، پیامبر (ص) آن را برداشت و روی سینه اش نشست. فرمود: چه کسی تو را از دست من نجات می دهد؟ بی درنگ گفت: «جُودَكَ وَ كَرْمُكَ يَا مُحَمَّد؛ جود و بخشش تو». پیامبر در حالی که اشک محبت در چشمانش حلقه زده بود، فرمود: حرکت کن و به اردوگاه خود برو.

بجای نفرین دعا کرد

دندان پیامبر (صل الله علیه و آله) را شکستند اما او به جای آن که نفرین کرده و نفرتی در دلش پدید آید دستان خود را به سمت آسمان بلند کرده و می فرمود: «اهد قومی انهم لا يعلمون»؛ خدایا اینها نمی دانند و تو اینها را هدایت کن. یعنی جواب بدی را با خوبی می داد.
پیامبر اکرم حتی وحشی قاتل عمویش حمزه را که او مثله کرده بود بخشید^{۱۳}

چند روایت درباره چگونگی برخورد با حیوانات

¹³ <http://nedaesfahan.ir/19169>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

لَمَّا أَبْصَرَ نَافَةَ مَعْقُولَةً وَ عَلَيْهَا جِهَازُهَا - : أَيْنَ صَاحِبُهَا ؟ مُرُوهُ فَلْيَسْتَعِدَّ غَدًا لِلْخُصُومَةِ

وقتی ماده شتری را دید که زانویش بسته شده و بارش همچنان بر پشت اوست - فرمود : صاحب . او کجاست ؟ به او بگوئید خودش را برای شکایت [این شتر در قیامت] آماده کند

(بحار الأنوار: ۷/۲۷۶/۵۰)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّقْقَ وَ يُعِينُ عَلَيْهِ ، فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا ، فَإِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ مُجْدِبَةً فَأَنْجُوا عَنْهَا ، وَ إِنْ كَانَتْ مُخْصِبَةً فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا

خداوند ملایمت و مدارا کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می کند . پس ، هرگاه چارپایان لاغر را سوار شدید ، آنها را در منزلهایشان فرود آورید . اگر زمین خشک و بی گیاه بود . با شتاب از آن بگذرید و اگر سرسبز و پر علف بود، آنها را در آن جا استراحت دهید

(الکافی : ۲/۱۲۰/۱۲)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

ارْكَبُوا هَذِهِ الدَّوَابَّ سَالِمَةً وَ اتَّذِعُوهَا سَالِمَةً ، وَ لَا تَتَّخِذُوهَا كِرَاسِيَّ لِأَحَادِيثِكُمْ فِي الطَّرِيقِ وَ الْأَسْوَاقِ ، قُرْبَ مَرْكُوبَةٍ خَيْرٌ مِنْ رَاكِبِهَا وَ أَكْثَرُ ذِكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْهُ .

چارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی های خود در کوچه ها و بازارها نکنید؛ زیرا بسا مرکوبی که از سوارش بهتر و بیشتر از او به یاد خداوند تبارک و تعالی باشد

(کنز العمال : ۲۴۹۵۷)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

لَوْ غَفِرَ لَكُمْ مَا تَأْتُونَ إِلَى الْبَهَائِمِ لَغَفِرَ لَكُمْ كَثِيرًا

اگر ستمی که به حیوانات می کنید بر شما بخشیده شود، بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است .

(کنز العمال : ۲۴۹۷۳)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

أَلَا تَتَّقَى اللَّهَ فِي هَذِهِ الْبَهِيمَةِ الَّتِي مَلَكَكَ اللَّهُ تَعَالَى إِيَّاهَا ؟ فَإِنَّهُ شَكََا إِلَى أَنْكَ تُجِيعُهُ وَتُدْنِبُهُ .

آیا درباره این بی زبانی که خداوند در اختیار تو گذاشته است، از خدا نمی ترسی؟! او از درد و رنجی که به وی می رسانی نزد من شکایت کرد

(کنز العمال : ۲۴۹۸۲)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَثَّلَ بِالْحَيَوَانِ .

لعنت خدا بر کسی که حیوانی را مثله کند

(کنز العمال : ۲۴۹۷۱)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ خِصَالٍ : يَغْلِفُهَا إِذَا نَزَلَ ، وَ يَعْزِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ ، وَ لَا يَضْرِبُهَا إِلَّا عَلَى حَقٍّ ، وَ لَا يُحْمَلُهَا مَا لَا تُطِيقُ . حَدِيثٌ ، وَ لَا يُكَلِّفُهَا مِنَ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا ، وَ لَا يَقِفُ عَلَيْهَا فُوقًا .

حیوان شش حقّ به گردن صاحب خود دارد: هر گاه از آن پیاده شد علفش دهد، هر گاه از آبی گذشت آبش دهد، به ناحقّ آن را نزنند، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند، بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند.

فی المصدر: «یطیق»، و التصویب من مستدرک الوسائل - الجعفریات: ۸۵، مستدرک الوسائل (۸/۲۵۸/۹۳۹۳:)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

إِنَّ الدَّابَّةَ تَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَلِيكَ صِدْقٍ؛ يُشْبِعْنِي، وَ يَسْقِينِي، وَ لَا يُحَمِّلْنِي مَا لَا أُطِيقُ. حیوانات می گویند: خدایا! صاحب خوبی نصیب من کن؛ کسی که مرا از آب و غذا سیر کند و بیش از توانم بر من بار ننهد.

(کتاب من لا یحضره الفقیه: ۲/۲۸۹/۲۴۷۷)

: امام صادق علیه السلام

عن رسول الله صلی الله علیه و آله أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَلْعَنُ بَعِيرَهُ، فَقَالَ [صلی الله علیه و آله]: ارجعْ، وَ لَا تَصْحَبْنَا عَلَى بَعِيرٍ مَلْعُونٍ!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنید که مردی شتر خود را لعنت می کند، فرمود: برگرد، با شتر لعنت شده همراه ما نیا.

(دعائم الإسلام: ۱/۳۴۷)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ. به صورت حیوانات نزنید؛ زیرا آنها حمد و تسبیح خدا می گویند.

(الکافی : ۶/۵۳۸/۴ ، الخصال : ۶۱۸/۱۰)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

اضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ ، وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ .

. حیوان را برای چموشی و سرکشی کردن بزنید، اما به خاطر لغزیدن نزنید

(الکافی : ۶/۵۳۹/۱۲)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - وقتی الاغی را دید که صورتش را داغ نهاده اند - فرمود

أَمَا بَلَّغْتُكُمْ أَنِّي لَعْنْتُ مَنْ وَسَمَ الْبَهِيمَةَ فِي وَجْهِهَا أَوْ ضَرَبَهَا فِي وَجْهِهَا ؟!

مگر نشنیده اید که من لعنت کرده ام آن کسی را که صورت حیوان را داغ بنهد، یا بر صورت آن تازیانه زند؟

(التاج الجامع للأصول : ۴/۳۵۱)

: کتاب من لا يحضره الفقيه

حَجَّ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ أَرْبَعِينَ حِجَّةً ؛ فَمَا قَرَعَهَا بِسَوْطٍ .

. علی بن حسین علیهما السلام، چهل بار با شتر خود به حج رفت ولی یک تازیانه بر آن نزد

(کتاب من لا يحضره الفقيه : ۲/۲۹۳/۲۴۹۴)

: ثواب مهربانی با حیوانات

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

غُفِرَ لَامْرَأَةٍ مُؤْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ ، فَزَرَعَتْ حُقُّهَا فَأَوْثَقَتْهُ
بِخِمَارِهَا فَزَرَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ ، فُغْفِرَ لَهَا بِذَلِكَ

زنی بد کاره سگی را دید که بر سر چاهی له له می زند و کم مانده است از تشنگی بمیرد . او
کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله آن از چاه آب کشید [و به آن
. حیوان داد] ؛ و به سبب این کار آمرزیده شد

(کنز العمال : ۴۳۱۱۶)

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَجُلٍ وَاضِعٍ رِجْلَهُ عَلَى صَفْحَةِ شَاةٍ وَهُوَ يُحِدُّ شَفْرَتَهُ ، وَهُوَ
تَلَحُّظٌ إِلَيْهِ بِبَصَرِهَا ، قَالَ : أَمْ فَلَاقَبَ هَذَا ؟ أَمْ تُرِيدُ أَنْ تُمِيتَهَا مَوْتَتَيْنِ ؟ ! .

رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که پایش را روی سینه گوسفندی گذاشته و مشغول
تیز کردن کارد خود است و گوسفند به او خیره شده است. فرمود: نمی توانستی قبلاً کاردت را
! تیز کنی؟ نکند می خواهی جان این حیوان را دوبار بستانی؟

(الترغیب و الترهیب : ۲ / ۱۵۶ / ۲)

: به ناحق کشتن حیوانات

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

مَا مِنْ دَابَّةٍ - طَائِرٍ وَلَا غَيْرِهِ - يُقْتَلُ بِغَيْرِ الْحَقِّ إِلَّا سُتْخَصِمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
هر حیوانی - پرنده یا جز آن - که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد
کرد .

(کنز العمال : ۳۹۹۶۸)

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْهُ ، يَقُولُ : يَا رَبِّ ، إِنَّ فُلَانًا قَتَلَنِي عَبَثًا وَ لَمْ يَنْفَعَهُ

هر کس گنجشکی را بی سبب بکشد، آن گنجشک در روز قیامت از او به درگاه خدا بنالد و . بگوید : پروردگار من ! فلانی مرا نه برای استفاده که بی سبب کشت

(کنز العمال : ۳۹۹۷۱)

: مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمرو بن العاص -

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ : مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا بِغَيْرِ حَقِّهِ سَأَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَقُّهُ ؟ قَالَ : يَذْبَحُهُ ذَبْحًا وَ لَا يَأْخُذُ بِعُنُقِهِ فَيَقْطَعُهُ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس گنجشکی را ، بدون رعایت حق آن ، بکشد خداوند متعال در روز قیامت از او بازخواست کند . عرض شد : حق گنجشک چیست ؟ فرمود : این که او را ذبح کند، نه این که گردنش را بکند

(مسند ابن حنبل : ۲/۵۶۷/۶۵۶۲)

: کنز العمال

نَهَى [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] عَنْ قَتْلِ كُلِّ ذِي رُوحٍ إِلَّا أَنْ يُؤْذَى [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] از کشتن هر جاننداری نهی فرمود، مگر آن که آزار و آسیب . برساند

(کنز العمال : ۳۹۹۸۱)

: نهی از به جان هم انداختن حیوانات

: التاج الجامع للأصول - به نقل از ابن عباس -

- نهی النَّبِیُّ صَلَّی اللہ علیہ و آلہ عنِ التَّحْرِیشِ بَیْنَ الْبَہَائِمِ
- پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ از به جان هم انداختن حیوانات نهی فرمود

(التاج الجامع للأصول : ۴/۳۵۱)